

استبداد ایمم...

علی مسعودی

خوب است بدانیم که...

۶

هارون دعا کردند که پروردگار اموال ایشان را تپاه سازد... خدا خطاب فرمود: «قد اجیبت دعوتکما» یعنی همانا مستجاب شد دعای شما، ولی حدیث گوید: میان خطاب و میان غرق فرعون و نابودی او و پیروانش (که برای آن دعا کرده بودند) چهل سال طول کشید.^(۱)

گاهی در دنیا دعا مستجاب نمی شود، ولی خداوند در عالم آخرت عویش را عطا می فرماید. گاهی آنچه در دعا از خدا طلب کرده ایم و صلاح در اجابت نبوده، خداوند در عویش چیز دیگری را به ما عطا می نماید.

چرا خداوند موجودات شری را مانند مارو

عقرب خلق کرده است؟

امام صادق(ع) می فرماید:

«خداوند چیزی را بدون علت خلق نمی کند، زیرا خدای حکیم عملی را عبث انجام نمی دهد» به عنوان مثال عقرب برای درد مثانه و پیشه و کسی که در رختخواب خود بول می کند، نافع است و از گوشت افمی بهترین دوا ساخته می شود و کرم قرمزی که در زیر زمین است، برای مرض اینکه(خوره) مفید است.^(۲) در فلسفه ثابت شده که این ها خیر فراوان و شر اندک دارند و ثانیاً وجود این ها فوایدی دارد که ما به بسیاری از آن ها آگاهی نداریم، مثلاً از مار روغن می گیرند و داروهایی از مارو عقرب می سازند، از طرفی وجود مارو عقرب برای زیست خیلی مفید است، زیرا سم ها و میکروبی های هوارا می گیرند و در بدن خود جای می دهند.

چرا اگر هوای آتش پرست شدند؟

بنا بر فرمایش امام صادق(ع) آتش پرستی از زمان قایل، فرزند حضرت آدم شروع شد و از این قرار است که چون آتشی آمد و قربانی هابیل را به نشانی قبولی سوزاند، ولی قربانی قایل را نسوزاند، ابلیس پیش قایل ظاهر شد و گفت چون هابیل آتش می پرستید، قربانی او قبول شد. قایل در جواب گفت: من آتشی که هابیل آنرا می پرستد، نمی پرستم و لکن آتش دیگری را می پرستم و برای آن قربانی می کنم، تا قربانی مرا قبول کند. لذا بیت التار (خانه ی آتش) ساخت و برای آن قربانی کرد.^(۳)

پی نوشت:

- ۱- تفسیر قرآن، ص ۶-۷ مجمع البیان، ج ۱، ص ۹۱
- ۲- مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۲۳۳
- ۳- فضائل الزهراء، ص ۱۴-۱۵
- ۴- مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۲۳۳-۲۳۴
- ۵- علل الشرایع، ص ۵۷۲
- ۶- بحار، ج ۵، ص ۲۱۶
- ۷- نهج البلاغه، ص ۱۲۲
- ۸- اعتقاد ما، ص ۲۶
- ۹- المیزان، ج ۸، ص ۴۶
- ۱۰- علل الشرایع، ص ۵۵-۵۶
- ۱۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۸، مترجم و شارح حاج عبد هاشم رسولی
- ۱۲- سنارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۲۱
- ۱۳- علل الشرایع، ص ۳

ممکن می باشد.^(۸)

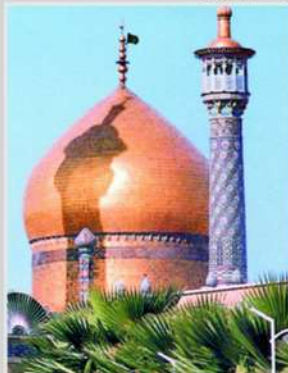
چرا خداوند برای راهنمایی ما انسان ها پیامبران را فرستاد و حال این که عقل برای ما بهترین راهنماست؟

این قول، قول براهنه است و آن ها گویند: عقل، ما را کافی است.

ولی در جواب باید گفت: عقل ما را به کلیات و پیامبران و اوصیا ما را به جزئیات راهنمایی می نمایند(بر فرض که عقل عبادت را واجب بداند، ولی کیفیت و مقدار و جزئیات آن را دیگر نمی تواند به ما بیان کند) و از طرفی میان عقلاء در یک موضوع گاهی اختلاف هست.

چرا حضرت آدم را از بهشت بیرون کردند و حال اینکه روایت است که کسی که وارد بهشت شد هرگز خارج نمی گردد؟

زیرا آن بهشت، بهشت جاودان نبوده است، بلکه آن بهشت پریزخی بوده است.^(۹)



چرا خداوند در قرآن فرموده است که «صرا بخوانید من اجابت می کنم» ولی خیلی از اوقات، ما بندگان خدا را می خوانیم، ولی او اجابت نمی کند آیا این خلف وعده از جانب خدا نیست؟

باید دانست که خداوند خلف وعده نمی کند و خودش فرموده است: «ان الله لا یخلف المیعاد»

علت اینکه دعای ما مستجاب نمی شود عبارت است:

- ۱- وعده ی خدا مشروط به مشیت است یعنی اگر بخواهد اجابت می کند.
- ۲- مقصود از اجابت خداوند آنست که توجه و استماع دعا است، یعنی فوراً شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- اجابت مشروط به مصلحت و خیر بودن برای دعا کننده است، زیرا خدای حکیم به دلخواه بندگان از آنچه خیر و صلاح آن هاست، دست بر ندارد.
- ۴- لازم نیست اجابت دعا فوری باشد و ممکن است، دعا مستجاب شده باشد، ولی ظهور آثار آن روی پاره یی از مصالح به مدت زیادی تأخیر افتد. چنانچه موسی و

چرا به خدا، الله می گویند؟

لفظ «الله» مشتق از «اله» است. مصدر به معنی معبود می باشد، بعضی گفته اند از وَّله یا آله مشتق است به معنی تَجَرُّ - خدا را از آن جهت الله می گویند که عقول از درک ذات او متجرب است.^(۱)

چرا به حضرت فاطمه(س) ام ابیها (مادر پدرش) می گویند؟

عرفا گویند: منظور از ام ابیها وحدت روحی است که بین این پدر و دختر وجود دارد. «فاطمه بضعة منی» یعنی فاطمه پاره ی تن من است.^(۲) چون حرمت مادر را هرکسی بیشتر نگه می دارد و رسول خدا(ص) فاطمه را به این کنیه می خواندند. قولی گوید: چون یکی از معانی ام، مقصد است و حضرت فاطمه (س) مقصد پدر بودند، لذا به ایشان ام ابیها(مقصود پدرش) می گویند. قول دیگر گویند: چون آیه «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و...» (پیغمبر به مومنین از خود آنان سزاوار تر است و...) نازل شد و زنان پیغمبر هر یک به کنیه ی ام المومنین مفتخر شدند، خاطر فاطمه(س) آزرده شد. پیغمبر اکرم(ص) آن بانو را در برگرفت و بوسید و ایشان را به کنیه ی ام ابیها (مادر پدرش) نامید.^(۳) هم چنین قولی گوید: چون مادر اصل وجود انسان است و در حدیث لولاک آمده «لولاک لما خلقک الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمة لما خلقناکما» بنابراین پیامبر(ص) در شأن فاطمه (س) چنین فرمودند.^(۴)

چرا به شهر قم، قم می گویند؟

پیامبر(ص) می فرماید: چون به معراج رفتیم، به بقعه ای نظر کردم که رنگش از زعفران نیکوتر و از مشک خوشبوتر بود. در آن جا شیخی (پیرومدی) نشسته بود که بر سرش کلاه بود، از جبرئیل سؤال کردم! این جا کجاست! فرمود: بقعه ی شیعیان تو گفتم! این شیخ صاحب کلاه کیست؟ فرمود: ابلیس. گفتم از آنان چه می خواهید! فرمود: می خواهید تا آنان را از ولایت امیرالمومنین(ع) مانع شود و آن ها را به فسق و فجور دعوت کند. لذا پیامبر(ص) فرمود: قم یا ملعون! به این جهت آن بقعه «قم» نامیده شد.^(۵)

امام صادق(ع) می فرماید: به این جهت شهر قم را قم نامیدند که اهل آن با قائم آل محمد اجتماع می کنند و با او قیام می نمایند و بر این امر استقامت می کنند و او را یاری می رسانند.^(۶)

چرا به شبهه، شبهه می گویند؟

حضرت علی(ع) می فرماید: «لانیما تشبه الحق» شبهه از این جهت شبهه نامیده شده که شبهه و مانند حق است و هرکسی نمی تواند میان حق و باطل را تمیز دهد.^(۷)

چرا به مسلمان، مسلمان می گویند؟

مسلمان از مسلم به معنی تسلیم شده در مقابل خداست و چون شخص مسلمان تسلیم خدا و اوامر و نواهی اوست، به او مسلمان گویند.

چرا شناخت (کنه ذات) خداوند، برای هیچ کس ممکن نیست؟

چون ذات او از هر نظر بی نهایت است و ما از هر نظر محدود هستیم و به همین دلیل احاطه ی ما به او غیر